

پابرهنگه

سرمقاله

آدم شدن ما در تحمل جمع است!

حقیقتاً باب صحبت را بر عدم وجود برنامه ریزی در زندگی و بی انگیزگی گذاشته بودم و دنبال چاره بودم، وقتی قلم را به دست گرفتم که بگویم برنامه ریزی اصلاً چیست؟
چرا ما اینقدر سرگشته ایم؟
ناخودآگاه کلمه ی «تشکیلات» جلوی قلم فرساییم را گرفت و احساس کردم یک معادل خوب برای هر آنچه که میخواستیم بگویم و همراه حلی که به دنبالش بودم پیدا کردم. ام
چندی پیش در مجله ای خواننده بودم از استاد پناهیان که فرموده بودند: «امروز آدم شدن به معنای تشکیلاتی شدن است و تشکیلاتی شدن زمینه ساز ظهور آقا!» فکر نمی کردم واژه ی تشکیلات با وجود جامع بودنش بتواند عبارت «زمینه سازی ظهور» را در خود همگن کند!

مطلب را کنجکاوانه و جسته گریخته دنبال کردم...!!
آن چیزی که ما در ارتباط با امام زمان (عج) خیلی نیاز داریم بدانیم است حضرت است. آیا آن است لازم برای این امام شکل پیدا کرده است یا نه؟
در قسمتی دیگر فرموده بودند: «جهان در واقع منتظر خود حضرت نیست، منتظر مدعیان ولایت مداری حضرت است، در واقع ناتوانی مدعیان ولایت مداری در زندگی دسته جمعی مانع اصلی ظهور است»

چه می گفتند ایشان؟ در پشت معنای تشکیلاتی شدن چه نهفته است که نشانی سرمنزل مقصود را هم به ما می دهد؟ ناتوانی در زندگی دسته جمعی مانع اصلی ظهور؟
(می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا آل عمران (۲۰۰) اول می فرماید: تک تک شما اهل صبر باشید(اصبروا) و بعد می فرماید: صابروا» یعنی با هم صبر کنید. ما در اینجا گیر کرده ایم؛ یعنی با هم دیگر نمی توانیم. و بعد می فرماید: رابطوا» یعنی هم افزایی کنید! در اینجا هم گیر کرده ایم. هر کدام از ما «تکی» برای خودمان بچه های خوبی هستیم، اما دسته جمعی نه!)

یعنی مشکل ما دسته جمعی شدن است؟ آدم شدن ما در تحمل جمع است! ولی ما همچنان اعتقاد به اسلام فردی داریم، اسلام سکولاری که غربی ها هم در نقش بستن در آذهنان مسلمانان نقش زیادی داشتند و حالا همین فردگرایی شده بلای جانمان!
این حرف ها مرا به یاد این شعر از سعیدی انداخت که انگار حق مطلب با بیانش بهتر ادا می شود:

(گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود/ تا اختیار کردی از آن، این فریق را / گفت آن گلیم خویش به در می برد / موج او این جهد می کند که بگیرد غریق را) / عالم اسلامی همانی است که سعی می کند که بگیرد غریق را. / عالمی اسلامی که تشکیلاتی شدن واقعی را خوب درک کرده است و درصدد اجرای آن است. ولی ما چرا اینقدر سرگشته ایم؟ چرا تحمل جمع را نداریم؟ چرا حتی در کلاس درس حوصله همگلاسی هایمان را نداریم؟ «دورترین نقطه کلاس را انتخاب می کنیم برای نشستن»! چرا استعداد هایمان را برای همدیگر خرج نمی کنیم؟ شاید اگر خوبی تشکیلاتی شدن، یعنی همین کار جمعی، خیرخواه هم بودن، توقعات را کم کردن و روحیه ایثار و فداکاری که البته کارهای سختی هستند در وجود تک تک ما نهادینه شوند و همه با هم برای رسیدن به اهدافمان تلاش کنیم، بی ضرر این بی انگیزگی می و بی برنامه گی ها خلاص شویم و در نهایت ما هم هم قدم زمینه سازان ظهور شده باشیم آن شاء الله

سارا افغانی مدیر دبیریت بازرگانی

نیاز اساس امروز کشور عبارت است از توسعه دانش - تحقیقات و فناوری - پرورش استعداد ها و جاری شدن روز افزون استعدادهای برجسته ملت ایران.

اندر حکایت درجا زدن هایمان!

شاید دیگر برایمان عادی شده باشد، اینکه بنیمیم هم کلاسی مان چندین میلیون پول خرج کرده تا دیگران پایان نامه اش را بنویسند. هنگامی که تقبل از چهار جوب های کوچکی مانند یک کلاس درس در دوره ی کارشناسی آغاز می شود مطمئناً به مراتب بالاتر از آن و در سطح وسیع گسترده می شود. ابتدا نظام دانشگاهی و علمی ما در برمی گیرد. در سطح جهانی پدیده ی تقلب علمی، در کشورهای توسعه یافته، تا این حد وجود ندارد. در حال حاضر در این کشورها نرم افزاری درست شده است که از طریق آن به میزان کمی کردن مطالب پی میرد. دانشجویی که در پژوهش میزانی از تقلب نشان داده شود، ابتدا تذکر می گیرد و برای بار دوم مردود خواهد شد. این دزدی ها چرا حساسیت زاست؟!
به دلیل اینکه گرچه گفته می شود علم و ثروت، قدرت می آورد، اما تقلب علمی نیز مانع آن می شود. برای پیشرفت در سطح ملی و برای پیدا کردن عمق علمی که موجب توسعه یافتگی علمی نیز خواهد شد، باید جلوی این پدیده گرفته شود. برخی از موسساتی که محتوای علمی تولید میکنند، تحت عنوان مشاوره تحصیلی و پژوهشی و دارای مجوز هستند.
تعدادی از این موسسات نیز مجوز ندارند، اما می گویند کار ما غیر قانونی نیست. کار این افراد مانند این است که فرد با جیب یا بالا را به کسی بفروشد و در ازایش یک دستمزد بسیار پائین دریافت کند.
در این جا خریداران بیش از همه مضرند.

آزاده عسکریان اقتصاد بازرگانی

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مازندران اعلام می کند:

همایش
علم با ثروت
پنجمه ای رو به اقتصاد دانش بنیان

هر راه با کار گاه
اندیشه لایق و خلافت
توانمند سازی

زمان: پنجشنبه ۱۴ آذر
۱۳۹۵ - ۱۳۹۶
آشنایی تئاتر گروه نمایش
برای ثبت نام در ۱۳ آذر به قلمرو
انجمن اسلامی در دانشگاه ها و
اقاق انجمن در خوابگاه حضرت
زینب (س) مراجعه کنید.

سخنران: استاد پناهیان
پژوهشگر، مترجم، محقق
و مشاور حوزه دانش بنیان

یکشنبه ۱۴ آذر ۹۵
ساعت: ۱۲ - ۱۰
سال علمی دانشکده هنر و معماری

روزهای آخر تابستان ۱۳۹۵، امام جماعت مسجد کوچک و نیمه کاره امام حسن مجتبی، در انتهای بازار سرشور مشهد، با شروع ماه رمضان، برنامه جدیدی برای مسجد می ریزد. سیدعلی خاتمه ای سی و پنج ساله، با آن قد رشید و چشمان نافذش، بیای می کند که هر روز ماه مبارک رمضان، بعد از نماز ظهر و عصر، قرآن به دست، پشت تریبون بایستد، و یک ساعت، سخنران کند.

با موضوع «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»
با شروع جلسات، شهر مشهد به هم می ریزد. در آخرین روزهای تابستان، وقت نماز ظهر که معمولاً شهر خلوت می شود و مردم به استراحتی چند ساعت تن می دهند. در گوشه ای از شهر، جنب و جوشی عجیب برپاست. مردم از پیر و جوان و زن و مرد، از راه های دور و نزدیک، در هوای گرم ظهرها، با زبان های خشک روزه دار، در حرکتند به سمت مسجد امام حسن. همه مشتاقانه خود را به این مسجد می رسانند تا از سفره پرپرکت معارفی که سید جوان در بهترین ماه خدا برایشان یهن کرده است، بهره هاببرند و تشنگی هایشان را فرو بنهند.

به حول و قوه الهی تصمیم گرفته ایم این بار نیز با عزمی را سخ، قدمی در مسیر تحقق # تمدن نوین، اسلامی برداشته و با صیقل دادن دل و جان به معارف الهی و انوار رحمت کتاب حق، به این مهم دست یابیم.

باشد که مورد رحمت الهی قرار گرفته و با تلاش روز افزون، جریه ای از این سرچشمه بنوشیم و نگاه ی و را، آنچه تاکنون به قرآن و معارف الهی داشته ایم، پیدا کنیم. حال گام دیگری را آغاز کرده ایم و کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» روشنگر ما در این راه دراز خواهد بود آن شاء...

اگر عزم کرده اید که همچون ما جریه نوش این سرچشمه شوید و هم قدم شویم با آیدی زیر هماهنگ فرمایید: @afaghpour
به توکل نام اعظمت...

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

تسه مقالته:

- تشریح پابرهنگه آماده انعکاسی تاملی مشکلات، درد دل ها، نظرات و دیدگاه های شما درباره دانشگاه مازندران است.
- از تاملی علاقه مندان در زمینه های عکس، کاریکاتور، خبرنگاری، طنز، شعر و مقاله برای همکاری در نشر به دعوت به عمل می آید.
- ضمناً تقدای شما را خیرداریم!

نشانی ما:
واحد خواهران: واحد اداری دانشکده اقتصاد، بخش تشکلهای دانشجویی، دفتر انجمن اسلامی دانشجویان
واحد برادران: دانشکده هنر و معماری، دفتر انجمن اسلامی دانشجویان

شماره تماس: ۰۹۳۰۰۹۷۱۹۹
نشانی اینترنتی: paberahne.ir
رایانامه: umzanjoman@gmail.com



پیشنهادات

- آدم شدن ما در تحمل جمع است!
- حاشیه سازی و هتاکلی های ادامه دار نائب رئیس مجلس
- قدر دارایی های فکری مان را بدانیم!
- مصاحبه با دکتر حسینی درباره علت افت جایگاه علمی دانشگاه.
- اندر حکایت درجا زدن هایمان (فساد علمی)
- دعوت به برنامه ای متفاوت از جنس کار آفرینی و نوآوری.

خبر و تحلیل

به بهانه حاشیه‌سازی وهتاک‌های ادامه‌دار نایب رئیس مجلس



علی‌مطهری، شخصیتی که باید عطای حضورش را به حرمت پدرش تحمل کرد.

به گزارش سرویس سیاسی پایگاه ۵۹۸، سنت خطرناک دولت‌اعتدالیون بازگود ۶۲۰ سخنرانی بر هم خورده در هر صورت و تشکیلی محکوم و مطرود همه افشار و نخبان سیاسی و اجتماعی است لکن رفتارهای دو گانه دولت و بخصوص وزارت کشور در برخورد همسان و برابر قانون با هر حرکت محفل اجتماعی باعث شد تا بالاخره این استراتژی غلط سیاسی دامن همانهایی را که در برابر برهم زندگان سخنرانی نیروهای ارزشی انقلاب اسلامی سکوت را بر اجرای قانون و نظاره گر بودن را بر پاسداری قانونمند از امنیت اجتماعی و سیاسی ترجیح داده بودند را هم بگیرد.

آیا این اسکان وجود ندارد که ملت ایران در اعتراض به تغییر مواضع و رفتارهای سیاسی برخی از سیاست‌مداران را شایسته آن جایگاه ندانسته و بدلیل فقدان مشروعیت مردمی اجازه صحبت را هم به آنان نمی‌دهند؟ وقتی مقبولیتی وجود ندارد چگونه انتظار می‌رود که جایگاه حاکمیتی نظام در اختیار فاعلان مقبولیت‌فراز گیرد؟ به این موضوع هم آقایان توجه کنند شاید اندکی از راه به غلط رفته خود را اصلاح و به ریل اصیل انقلاب اسلامی بازگشته و متنبه شوند.

۴- امسال نیز دوباره همین جریان تکرار شده و علی‌مطهری قصد سخنرانی را داشت که جو شهر مشهد مناسب تشخیص داده نشد و برابر دستور مقام قضایی سخنرانی وی لغو شد در این رابطه تشکل‌های دانشجویی سراسر کشور و شهر مشهد با دادن بیانیه‌های خواستار محاکمه‌المطهری شدند.

۵- البته سال گذشته در جریان لغو سخنرانی علی‌مطهری در کرج نیز وی نوک پیکان خود را مانند امروز مشهد به سمت امام جمعه کرج گرفت که بعدها به سوءظن بی جای خود بی برده و پوزش خواهی کرد. در مجموع نمی‌توان برای علی‌مطهری در بازی‌های سیاسی سیاست بازان جایگاهی بیشتر از یک عامل و سرباز پیاده سایه نشینان دنیای سیاست در نظر گرفت لذا نباید در بررسی شخصیت شناسی و جایگاه شناسی وی که بیشتر از نام و در سایه پدر اثراتی جایگاه‌یابی می‌کند بیش از یک عامل میبانی جایگاه بیشتری برایش در نظر گرفت روزی در کنار ابولکراییان و روزی در کنار اصلاح طلبان در پوست امتثال خیزه زده و شاید فردا در کسوتی دیگر؛ هر چه هست باید او را تحمل کرد و به احترام پدرش نازمانی که در داخل خطوط نظام حرکت کرده و در جایگاه نمایندگی گنجانده می‌شود باید به آن توجه داشت.

۲- لغو سخنرانی علی‌مطهری در مشهد به دستور دادستان مشهد بوده است پس دلیل این جنارو جنجال رسانه‌ای برای چیست؟



در هیاهوی کلاس آمدن هایمان در این هوای سرد بارانی و در بازار داغ استفاده حداکثری از غیبت‌ها و خمیازه کشیدن‌های سرکلاس و صرف حضور فیزیکی و نمره گرفتن‌های زوری، یادی هم می‌کنیم از دانشجویانی که هنوز در مقطع کارشناسی به مرتبه بی‌کارت‌شان شدن نرفته و نیمه هم نرسیده، به فکر ارزش هستند که حداقل بیگار نباشند و این انتظار اعجاز در ظرفیت‌استخدامی‌ها به پایان رسد و خلاصه از دل مشغولی بیگاری و حرف و حدیث‌ها در امان باشند.

همه این‌ها را بنگاریم کنار... آمده ام دو کلمه حرف حساب از جنس انرژی برای قانع کردن خودمان در ۶ صبح روزهای زمستانی پیش رو برای رفتن به کلاس‌ها با بزم، البته قانع که چه عرض کنم!... وقتی آینده این درس خواندن‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد به کجا چنین شبانانه‌ها به هر آن کجا که باید! می‌خواهم از راهی برایتان بگویم که اگر بخواهیم ما را از ورطه بیگاری نجات می‌دهد و باعث کمی صلح و صفا (نه در حد آشتی دادن) بین علم و صنعت می‌شود و این اعتماد دویاره‌ی دانشگاه (محفل تولید علم) به صنعت (جایی برای کار بردی کردن علم) رنگ امیدواری به خود می‌گیرد و دل مشغولی‌های ما را نیز گم‌رنگ تر خواهد کرد.

اقتصاد دانش بنیان، تجاری سازی دانش در دانشگاه‌ها، راهی است که ما انتخاب کرده‌ایم، حال که اقتدار علمی به مزیت رقابتی اصلی کشورها تبدیل شده، اقتصاد دانش بنیان را می‌توان نوعی موتور رشد اقتصادی دانست که جایگزین منابع سنتی سه گانه‌ی تروت، یعنی زمین و نیروی کار و سرمایه می‌شود. حتما می‌گویید اصلاحان این اقتصاد دانش بنیان چیست؟

اقتصاد دانش بنیان در یک کلام یعنی قدر داری‌های فکری مان را بداییم و تبدیل به سرمایه‌های فکری کنیم. در واقع شرکت‌های دانش بنیان، شرکت‌هایی با هدف ایجاد کسب و کارهای دانش محور به منظور تبدیل پایدار دانش به تروت، به واسطه تحقیق و پژوهش در زمینه فناوری‌های نو و پیشرفته است. احتیاج را در فرورخته شود. به زبان ساده‌تر، یعنی ما با دانشی که در دانشگاه‌ها و با صورت آزاد کسب می‌کنیم به طراحی ایده پردازیم و از ایده‌ها به کمک شرکت‌های دانش بنیان چکش کاری و تبدیل به ایده‌ای پخته کنیم و تیم سازی متناسب با ایده‌ها و نیازها صورت بگیرد و در نهایت با استفاده از سرمایه‌ای که شرکت‌های دانش بنیان در اختیار ما می‌گذارند آن ایده‌ها را عملی کنیم و یا به شرکت‌هایی که به آن ایده‌ها احتیاج را در فرورخته شود. خلاصه اینکه اقتصاد دانش بنیان یکی از راه‌های موفقیت در زمینه کسب و کار، با به کارگیری دانش است و ما قدم اول را در بحث ایده‌ها و خلاصیت، با حضور استادان بنیادین پژوهشگر، کارآفرین، مخترع و مشاور حوزه دانش بنیان برداشته‌ایم. ما با هم قدم شویید تا سعادت دنیوی و اخروی یک جا نصیبمان شود.

سارا آفاق پور، مدیرت بازرگانی



مصاحبه با دکتر ابوالحسن حسینی عضو هیئت علمی مدیریت بازرگانی

مصاحبه

به گزارش خبرنگار پاره‌ها، با توجه به آمار رتبه بندی دانشگاه‌های ایران، دانشگاه مازندران در دوسال اخیر رتبه ۱۸ را میان دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارت علوم و رتبه ۲۴ در میان دانشگاه‌های کل کشور درآبوده اما هم اکنون به رتبه ۴۱ در کشور رسیده است.

پاره‌ها: با علم به این موارد، اینک این سؤال مطرح می‌شود که علت این افت از نظر شما چیست؟
دکتر حسینی: شاید نتوان آمار فوق را به عنوان یک لغت برای دانشگاه مازندران در نظر گرفت، چرا که در همین دانشگاه اساتیدی هستند که بعنوان یک درصد دانشمندان دنیا توسط تشریحات معتبر دنیا شناسایی و اعلام می‌شوند. همچنین اختراعات، ابتکارات و انتخاب‌اساتیدی از همین دانشگاه بعنوان پژوهشگر برتر یا پر تولیدترین در سطح کشور نمونه‌هایی از این دستاوردهاست که به هیچ وجه نشان دهنده ضعف دانشگاه یا افت آن به حساب نمی‌آید حتی در سطح دانشجویی نیز در دو سال گذشته دانشجویان و اصحاب‌های مختلف از جمله انجمن علمی لالی به کسب مقامهای بسیار خوبی در سطح کشور شده‌اند. البته نباید از نظر دو داشت که ممکن است در طی ارائه این آمارها در طول چند سال اخیر رشد تولید علم در دانشگاه‌های دیگر شتاب بیشتری نسبت به دانشگاه پنا کرده و دانشگاه‌های دیگر در طی این مدت شتاب مناسبی را حفظ یا حتی افزایش می‌دهد است. از این رو شاید بهتر است به افت دانشگاه یا بطور کلی دانشگاه‌ها از حوزه‌های دیگر بالاخص ارتباط با صنعت یا جامعه توجه و به علتهای آن پرداخته شود.

پاره‌ها: به نظر شما نقش دانشگاه در این موضوع به چه صورت است؟
دکتر حسینی: بدون شک می‌توان تصور نمود که اساس همه‌اگر بخواهیم مروری اجمالی بر نقش دانشگاه از ابتدا و در گذر زمان داشته باشیم، به این صورت است که در ابتدا دانشگاه‌ها آموزش محور بودند و علم از طریق آموزش دانشگاهی تولید می‌شد و متناسب با نیاز صنعت بود. دانشگاه‌های نسل دوم، پژوهش محور بودند یعنی کار اصلی آنها غیر آموزش، تولید علم، شناسایی و حل مسأله بوده است، چرا که به دلیل وسعت دیدی که از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود، دانشگاهی می‌توانست پاسخ دهنده بسیاری از مشکلات باشد.

پاره‌ها: در نسل سوم، دانشگاه وظیفه کارآفرینی به خود گرفتند؛ یعنی ایجاد کسب‌ال حاضر این رویکرد وجود دارد؟
دکتر حسینی: برای درک این موضوع می‌توان به یک مثلث اشاره کرد که در هر یک از اضلاع آن (سیاست گذاران، دانشگاه و صنعت) قرار دارد. نقش سیاست گذاران وضع قوانین و مقرراتی است که ارتباط میان دانشگاه و صنعت را تسهیل نماید. حضور صنایع را در دانشگاه و مراکز علمی و دانشگاه‌ها در صنعت و جامعه برتر کند نماید. بعنوان نمونه قوانین مربوط به حوزه کارآموزی بسیار قدیمی است و نیاز به تغییرات جدی است. صنایع نیز باید مسیر حرکت پیشرفت خود را در دانشگاه ببینند و در این راه بصورت مجزا حرکت نمایند و دانشگاه را بعنوان ضلع دیگری از این مثلث همیشه در کنار خود احسان کنند. دانشگاه‌ها نیز به عنوان ضلع دیگر باید برای ارتقاء دانش و کاربردی کردن علوم و آموزش تربیت نیروی متخصص و پژوهشگران آنها را برای ورود به صنعت و تأمین نیازهای صنعت آماده‌نمایند.

در حال حاضر این رویه را شاهد نیستیم. به عنوان نمونه، دانشجویی که به عنوان کارآموز باید بطور موقت وارد صنعت می‌شود تا با دانسته‌های خود بتواند تجربیات مرتبط با ارزشمندی را کسب کند. مناسقاتی می‌بینیم که عملاً این هدف محقق نشده و کارآموزی به یک کار بعضاً بیهوده از نگاه بعضی دانشجویان و همینطور یک دردمس از نگاه صنعتگران دیده می‌شود. صنعتگران بعضاً با آنگاه پذیرای این وضعیت هستند و این واقعاً خوب نیست. همچنین، در صنایع نیز بی‌اعتمادی نسبت به دانشجویان وجود دارد به همین علت اطلاعات خود را در اختیار دانشجویان قرار نمی‌دهند.

پاره‌ها: آیا این بی‌اعتمادی از نظر شما منطقی است؟ آیا اقتضای دانشگاهیان درست کار کرده‌اند؟
دکتر حسینی: البته بنظر بنده ما خودمان هم باعث این فاصله شدیم. صرفاً نمی‌توان این فاصله و بی‌اعتمادی را به گردن صنعت گذاشت. دانشگاه هم بدون شک باید اقدامات لازم را انجام دهد و با فعالیت عمل نماید. بعنوان مثال علازم هزینته بر بودن این موضوعات برای دانشگاه می‌توان به فعالیت پژوهشگرانش، ارتباط با صنعت و کارآفرینی اشاره کرد که دانشجویان و صنعتگران می‌توانند به آن مراجعه نمایند. طرفی زمانیکه دانشجویی ما به عنوان کارآموز به شرکتی می‌رود، خود را نماینده دانشگاه بداند و بعنوان پل ارتباطی میان صنعت و دانشگاه عمل نماید. پژوهشگران ما باید سفیران متحصصی از دانشگاه به صنعت باشند و از سر مشکلات صنعت به واسطه خود مراجعه کرده در نتیجه راه حل‌ها را دریافت و به صنعت کمک کنند و از این طریق اعتماد بیشتر و بیشتری بیافرینند.

پاره‌ها: آیا شما پیشنهادها را با همکاری داره‌ها برای رونق دادن این فرایند؟
دکتر حسینی: در واقع افراد و نیروی انسانی در دانشگاه آموزش می‌بینند که در صنعت و بطور کل در جامعه نقش اثرگذارتری داشته باشند پس چه خوب است که صنایع مشکلات خود را بیان کنند و با توجه به نیاز آنها، تولید علم متناسب با نیاز صنعت بود. دانشگاه‌های نسل دوم، پژوهش محور بودند یعنی کار اصلی آنها غیر آموزش، تولید علم، شناسایی و حل مسأله بوده است، چرا که به دلیل وسعت دیدی که از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود، دانشگاهی می‌توانست پاسخ دهنده بسیاری از مشکلات باشد.

مصاحبه از: زهرا اخسروی، مدیریت بازرگانی